

« به نام خالق زیبایی ها »

حنانه نوری رشته آموزش علوم اجتماعی 1402 ، پژوهش روایی

درس 5 مطالعات اجتماعی هشتم « آسیب های اجتماعی و پیشگیری از آنها »

فیلم سینمایی " علفزار " به کارگردانی کاظم دانشی ، سال تولید 1400

خلاصه ای از داستان فیلم:

فیلم علفزار بر اساس داستانی واقعی ساخته شده است و روایت آن در فضای دادسرا شکل می‌گیرد. ماجرا از جایی آغاز می‌شود که یکی از مأموران زیردست بازپرس، هنگام دستگیری بزهکاران و متهمین در یکی از مناطق پایین شهر، / تیر هوایی شلیک می‌کند که به صورت اتفاقی به کودکی برخورد کرده و منجر به مرگ او می‌شود. (قتل) / این حادثه موجب می‌شود که روند انتقالی بازپرس با مشکل روبه‌رو شود و به همدستی در یک قتل غیرعمد محکوم شود؛ حالا باید برای تبرئه شدن از این ماجرا، در قضاؤتش محتاطتر و گوش به فرمان‌تر باشد. / دادستان و شهردار ، با تهدید به عدم صدور انتقالی و تحت‌فشار قرار دادن او، (سوء استفاده از قدرت) / بازپرس را وادار می‌کنند تا پرونده‌ای را که مربوط به خانواده‌ی شهردار است مختومه اعلام کند. (تهدید جهت کتمان حقیقت) / در مقابل، / وعده‌ی تسهیل در انتقالی و دریافت رشوه داده می‌شود. (اعمال نفوذ و رشوه) /

/ در حین بررسی پرونده و روایت‌های متضاد از حادثه که تنש و درگیری لفظی بین طرفین بالا می‌گیرد، (فحاشی) / بازپرس متوجه می‌شود که / خانواده‌ی شهردار در باغی اجاره‌ای، مهمانی خارج از عرف برگزار کرده بودند (مهمانی خارج از عرف) / و / مشروبات الکلی مصرف می‌کرندن (استعمال مشروبات الکلی) / و / زمانی که همگی آنها در استخر بودند، شش نفر به‌طور وحشیانه وارد باغ شده و پس از درگیری، مردان حاضر را به درخت می‌بندند (درگیری) / و / به همسران آن‌ها تجاوز می‌کنند. (تجاوز) / در جریان این حمله، / پسر شهردار نیز با ضربه‌ی چاقو به کما می‌رود. (چاقوکشی) /

با اینکه دختر شهردار و سایر اعضای خانواده وقوع تجاوز را انکار می‌کنند، اما "سara" ، عروس شهردار، حقیقت ماجرا را بازگو می‌کند؛ او به دلیل نگرانی برای فرزند خردسالش که شاهد این اتفاقات بوده، پیگیری شکایت

را به طور جدی ادامه می‌دهد. با این حال، / شهردار برای حفظ آبروی خانوادگی و موقعیت اجتماعی خود، اعضای خانواده را مجبور به رضایت می‌کند. (نادیده گرفتن عدالت برای حفظ آبرو و قدرت) // او حتی با تهدید به طلاق و گرفتن فرزند، عروسش را وادر به سکوت می‌سازد؛ (فسار و تهدید روانی) // هرچند که دختر و عروس او دچار آسیب‌های شدید روانی شده بودند (تبعت روانی تجاوز جنسی) / و خواستار قصاص بودند. با وجود فشارها و تهدیدهای روانی و اجتماعی، سارا همچنان بر پیگیری پرونده پافشاری کرده و در نهایت، بازپرس پرونده را به دادگاه ارجاع می‌دهد.

در بخش دیگری از فیلم، / به روابط نامشروع "شبیم"، خواهرسارا، با مردی غیر از همسرش اشاره می‌شود؛ (روابط نامشروع) // رابطه‌ای که باعث خیانت به همسرش شده و او را در معرض تهدید از سوی مادر متتجاوزین قرار می‌دهد. (خیانت زناشویی) // شبیم، برای جلوگیری از زندگی‌اش که در آستانه فروپاشی قرار گرفته بود (طلاق) /، تلاش می‌کند تا رابطه‌اش با همسرش را حفظ کند.

همچنین / مادر متتجاوزین نیز در فیلم دیده می‌شود که با اهدای النگوی خود به منشی دادسرا، از او تقاضای کمک برای نجات فرزندانش می‌کند، چراکه به دلیل فقر مالی قادر به گرفتن وکیل نیست. (فقر) /

در کنار این ماجراهای / داستان فریبا و محسن نیز دنبال می‌شود، که به مصرف مواد مخدر معتقدند (استعمال مواد مخدر) / و / فرزندی حاصل از رابطه‌ای نامشروع‌شان دارند. (تولد کودکان نامشروع) / آن‌ها برای گرفتن شناسنامه برای کودک تلاش می‌کنند؛ / کودکی که تاکنون با مادرش زندگی کرده (تولد و تک سرپرستی کودکان نامشروع) / و / به دلیل نداشتن شناسنامه از تحصیل محروم مانده است. (بی هویتی و طرد اجتماعی کودکان نامشروع) / بازپرس، برای جلوگیری از نابودی آینده‌ی کودک، تلاش می‌کند تا پرونده را به شکلی پیش ببرد که منجر به صدور شناسنامه و فراهم شدن امکان تحصیل برای کودک شود.

جدول کدگذاری:

کد محوری	کدهای گزینشی	کدهای باز
آسیب‌های اجتماعی	فروپاشی اخلاقی و ناهنجاری فرهنگی	مهمنانی خارج از عرف
		روابط نامشروع (زنا)
		فحاشی
		خیانت زناشویی
		استعمال مشروبات الکلی
	خشونت و ناامنی اجتماعی	چاقوکشی
		تجاور
		درگیری
		قتل
	فساد اداری و بی‌عدالتی	اعمال نفوذ و رشوه
		سوء استفاده از قدرت
		تهدید جهت کتمان حقیقت
		نادیده گرفتن عدالت برای حفظ آبرو و قدرت
		استعمال مواد مخدر
	اعتیاد و پیامدهای آن	تولد کودکان نامشروع
		تولد و تک سرپرستی کودکان نامشروع
	بحran خانواده	بی‌هویتی و طرد اجتماعی کودکان نامشروع
		خیانت
		طلاق
		تبعت روانی تجاوز جنسی
	آسیب‌های روانی	فشار و تهدید روانی
		فقر
	نابرابری اجتماعی	

گزارش تحلیلی:

آسیب‌های اجتماعی از مهم‌ترین معضلات جوامع انسانی در عصر حاضر به شمار می‌روند و جامعه ما نیز از این مسئله مستثنای نیست. این آسیب‌ها نه تنها سلامت روانی و فردی افراد را تهدید می‌کنند، بلکه بنیان‌های فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و اخلاقی جامعه را نیز در معرض بحران قرار می‌دهند. عواملی چون فقر، اعتیاد، نابرابری، ناهنجاری‌های فرهنگی و ناکارآمدی ساختارهای مدیریتی و قضایی، به صورت زنجیروار بر ابعاد مختلف زندگی اجتماعی، به ویژه نهاد خانواده، تأثیرگذارند. به عنوان نمونه، در فیلم ارائه شده اشاره شد که چگونه فقر می‌تواند منجر به اعتیاد افراد به مواد مخدر، خشونت، درگیری‌های فیزیکی و مسائل مشابه شود. همین اعتیاد ممکن است به روابط نامشروع منجر شود؛ روابطی که گاهی تولد کودکانی را به دنبال دارد که به دلیل شرایط خاص تولدشان، بدون شناسنامه و حق تحصیل، و با والد تنها بزرگ می‌شوند. این آسیب‌ها صرفاً اتفاق‌های پراکنده نیستند، بلکه نشانه‌هایی از شکاف‌های عمیق در ساختار جامعه‌اند.

یکی از آشکارترین جلوه‌های آسیب اجتماعی، **فساد اخلاقی و ناهنجاری‌های فرهنگی** است. نمونه‌ای از این مسئله را می‌توان در فیلم «علفازار» مشاهده کرد؛ جایی که خانواده‌ای مهمانی خارج از عرف برگزار کرده و در آن مشروبات الکلی مصرف می‌کنند. زمانی که بازپرس از آنان درباره مصرف مشروبات سؤال می‌پرسد، پاسخ می‌دهند: «ما در تمام مراسم‌اتمان مصرف می‌کنیم.» این پاسخ، نشان‌دهنده عادی شدن رفتارهایی است که خبر از فروپاشی ارزش‌های اخلاقی و فرهنگی می‌دهد. همچنین روابط نامشروع، خیانت زناشویی، فحاشی و مانند آن از دیگر ناهنجاری‌هایی هستند که در جامعه به طور نگران‌کننده‌ای رواج یافته‌اند. عادی‌سازی این رفتارها، مرزهای ارزشی جامعه را درهم می‌شکند و بحران هویت اخلاقی را رقم می‌زنند.

در جامعه‌ای که **خشونت** رو به افزایش است، آرامش جایی ندارد. چاقوکشی، تجاوز، درگیری و قتل به بخشی از اخبار روزمره تبدیل شده‌اند. در فیلم ارائه شده، شاهد صحنه‌ای هستیم که چند مرد به طور وحشیانه وارد مهمانی می‌شوند، درگیری فیزیکی و چاقوکشی رخ می‌دهد و سپس به زنان حاضر در مهمانی تجاوز می‌کنند. این صحنه نمایانگر افزایش نگران‌کننده خشونت در جامعه، به ویژه خشونت علیه زنان است. چنین وقایعی نه حوادثی اتفاقی، بلکه نشانه‌هایی از **نامنی ساختاری** در جامعه‌اند.

فساد اداری و بی‌عدالتی اجتماعی نیز از دیگر عوامل مؤثر در رشد آسیب‌های اجتماعی هستند. در فیلم مورد بحث، شهردار برای حفظ آبرو و موقعیت اجتماعی‌اش، خانواده‌اش را وادار به رضایت می‌کند و حق آن‌ها را به خاطر منافع خود نادیده می‌گیرد. همچنین دادستان، بازپرس پرونده را تحت فشار و تهدید قرار می‌دهد و شهردار با اعمال نفوذ و پیشنهاد رشوه، از بازپرس می‌خواهد پرونده را مختومه اعلام کند تا از افشاءی عمومی آن جلوگیری شود. این رفتارها باعث سلب اعتماد عمومی نسبت به سیستم قضایی می‌شود و وقتی مردم احساس کنند احراق حق از مسیر قانونی ممکن نیست، خشونت و اقدامات افراطی به ابزارهای جایگزین تبدیل می‌شوند.

این عوامل در نهایت به **آسیب‌های روانی** منجر می‌شوند؛ از اضطراب ناشی از فقر و فشارهای اجتماعی گرفته تا زخم‌های روانی حاصل از خشونت و تجاوز. در فیلم ارائه شده، بازپرس به دلیل فشار روانی حاصل از کشته شدن کودک توسط همکارش، تهدیدهای دادستان، و تعارض بین وظیفه و وجودان خود، دچار آشفتگی ذهنی شدیدی می‌شود. همچنین شخصیت سارا، که قربانی تجاوز و انکار و تهدید اطرافیان است، به وضوح نشانه‌های فروپاشی روانی مانند گریه‌های مداوم، خشم و بی‌ثبتاتی احساسی را بروز می‌دهد. این واکنش‌ها نشان می‌دهند که وقتی آسیب‌ها و فشارهای اجتماعی از حد بگذرد، روان انسان‌ها اولین جایی است که آسیب می‌بینند.

در این میان، **اعتیاد** یکی از ریشه‌دارترین آسیب‌های اجتماعی است که خود منشأ بسیاری از ناهنجاری‌های دیگر از جمله روابط جنسی کنترل‌نشده و تولد فرزندان نامشروع می‌شود. در فیلم «علفزار» دو شخصیت به تصویر کشیده می‌شوند که در گیر اعتیاد بوده و در نتیجه یک رابطه نامشروع ده سال قبل، فرزندی به دنیا آورده‌اند.

در شرایطی که **خانواده** باید مأمن آرامش باشد، خود به یکی از کانون‌های اصلی بحران تبدیل شده است. طلاق، خیانت زناشویی و فروپاشی روابط خانوادگی، نشانه‌هایی از این بحران‌اند. یکی از نمونه‌های آن، شخصیت شبنم در فیلم است که با فردی غیر از همسرش رابطه داشته و اکنون که از سوی آن فرد طرد شده و ماجراهای رابطه‌اش توسط متزاویین فاش شده، نگران از هم پاشیدن زندگی‌اش است. او تلاش می‌کند با همسرش گفت‌وگو کند تا رابطه‌شان به طلاق نینجامد، هرچند پیش‌تر به دلیل همین رابطه تصمیم به جدایی

گرفته بود. از دیگر پیامدهای بحران خانواده، تولد کودکان نامشروع است؛ کودکانی که حاصل روابط خارج از چارچوب خانواده‌اند و بدون شناسنامه، حق تحصیل و هویت رسمی باقی می‌مانند. در فیلم، کودکی را می‌بینیم که در کنار مادر معتاد خود و در محیطی پر از فقر و آسیب زندگی می‌کند؛ مادری که اکنون می‌کوشد آینده فرزندش شبیه گذشته خودش نباشد. چنین کودکانی، قربانیان مستقیم فروپاشی نهاد خانواده‌اند و در معرض ورود به چرخه‌ای از آسیب‌های اجتماعی قرار دارند. زمانی که بنیان خانواده سست شود، امنیت روانی از بین می‌رود و کل جامعه در خطر فروپاشی قرار می‌گیرد.

در این میان، **فقر** یکی از ریشه‌های اصلی آسیب‌های اجتماعی است. در فیلم ارائه شده، شش مرد از طبقه‌ای فرودست وارد ماجراهی تجاوز و درگیری می‌شوند و در آستانه اعدام قرار می‌گیرند. مادرشان که توان مالی گرفتن وکیل ندارد، برای نجات فرزندانش، شبنم را تهدید به افشاری راز زندگی‌اش می‌کند تا رضایت بگیرد. این وضعیت نشان می‌دهد که فقر تنها یک مشکل اقتصادی نیست، بلکه زمینه‌ساز خشونت، فساد و فروپاشی روابط انسانی است.

در پایان باید گفت، آسیب‌های اجتماعی به صورت زنجیره‌وار به یکدیگر متصل‌اند و نمی‌توان آن‌ها را جداگانه حل و فصل کرد؛ چراکه هر آسیب، ریشه در آسیبی دیگر دارد. اگر امروز برای مقابله با معضلاتی چون فقر، اعتیاد، خشونت، فروپاشی خانواده و فساد اداری اقدام نشود، نسل فردا توان این بی‌توجهی را خواهد پرداخت. نقطه آغاز راه حل، خانواده است. با اصلاح نظام آموزشی، مقابله ساختاری با فقر و نابرابری، و مبارزه قاطع با فساد، می‌توان جامعه‌ای سالم‌تر و آینده‌ای روشن‌تر ساخت. انتخاب با ماست: یا اکنون می‌سازیم، یا فردا در ویرانه‌ها به دنبال مقصیر می‌گردیم.